

## مکت کوتاه بر پیشینه‌ی اصلاحات در نظام مالکیت ارضی

حدود بیش از یک قرن اولین بار چند سند اصلاحاتی در مورد مالکیت ارضی، زراعت، مالداري و شیوه جدید اخذ مالیات از جانب حکومت امانی به نشر رسید، در آن وقت مالکیت بر اراضی، اشکال مختلف داشت. از جمله سه نوع آن (اراضی خصوصی، مشترک و سلطانی) مهمترین اشکال مالکیت بر زمین شمرده می‌شد. مالکان خصوصی بر مبنای سند دست داشته‌ی شان (قباله) ویا اسناد عرفی ادعای مالکیت کرده، و اما اراضی بایر و مراتع بخش از مالکیت عمومی روستاییان و یا قوم و قبیله را تشکیل می‌داد. اراضی سلطانی که بخشی از بهترین زمین‌های آبی و اعلاي زراعتی را به خود اختصاص می‌داد، بهره‌برداری از آن فقط به اجازه‌ی سلطان به کارگزاران نظام با استفاده از بهره‌کشی دهقانان داده می‌شد. اصلاحات امانی محور آن روی فروش اراضی سلطانی قرار داشت، که نه به افراد مستحق، بلکه به کسانی داده می‌شد...

صفحه‌ی ۲

سال دوم، دوشنبه، ۲۸ ثور ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۱۸ می ۲۰۱۵ میلادی

شماره‌ی ۳۵

مهم هفته

## انفجار در کابل: ۲ کشته و ۱۸ زخمی

بر اساس اعلام وزارت داخله، در حمله‌ی انتحاری دیروز در کابل ۲ نفر کشته و ۱۸ نفر زخمی شده‌اند. این حادثه در نزدیکی ورودی فرودگاه کابل به وقوع پیوست. صدیق صدیقی سخنگوی وزارت امور داخله در صفحه‌ی توئیتر خود نوشته که زخمی شدگان ۸ زن، ۷ مرد و ۳ کودک هستند. نجیب دانش، معاون سخنگوی این وزارت به بی بی سی گفت که در اثر این حمله یک اتومبیل خارجی و چند خودروی غیرنظامی آسیب دیده‌اند. در همین رابطه یک سخنگوی پولیس به خبرگزاری رویترز گفته است، به نظر می‌رسد که هدف این حمله انتحاری، نیروهای ناتو بوده باشد. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان در صفحه‌ی توئیتر خود نوشته است که این حمله انتحاری بوده و توسط افراد این گروه راه اندازی شده است. او مدعی شده که در این حادثه ۲ تانک مهتم، ۷ سرباز کشته و ۵ نفر زخمی شده‌اند. چهار روز پیش کابل صحنه حمله‌ی ستیزه‌جویان به مهمان‌خانه‌ی در این شهر بود که در اثر آن ۱۴ نفر که ۹ نفر آنها از اتباع کشورهای دیگر بودند، کشته شدند. طالبان مسوولیت این حمله را برعهده گرفتند.

مهم هفته

## هراس پاکستان از حمایت ملا فضل‌الله توسط هند در افغانستان

اسلام‌آباد ادعا کرده که ملا فضل‌الله، رهبر تحریک طالبان پاکستانی در خاک افغانستان است و گفته‌است که یا او را بکشید و یا بگذارید تا خودمان نابودش کنیم. بر بنیاد گزارش‌ها، این درخواست در جریان دیدار مقام‌های پاکستانی از کابل و مقام‌های حکومت افغانستان صورت گرفته‌است. پنج روز پیش نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان با جنرال راحیل شریف، رییس ستاد ارتش و سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی این کشور طی سفری از کابل و رهبران حکومت وحدت ملی دیدار کردند. روزنامه‌ی محلی د نیوز تریبون پاکستان روز شنبه گزارش داد که استخبارات پاکستان مدرک‌هایی را در اختیار حکومت افغانستان قرار داده که ملا فضل‌الله، رهبر تحریک طالبان پاکستانی برنامه‌های هراس‌افکنانه‌ی ضد پاکستان را در خاک افغانستان طرح می‌کند و هم‌چنان گروه تروریستی جدایی‌طلبان بلوچستان را حمایت می‌کند. بر بنیاد این گزارش، مقام‌های پاکستانی هم‌چنان برای حکومت افغانستان آگاهی داده‌اند که شبکه‌ی استخباراتی هند ملا فضل‌الله را از خاک افغانستان در برابر پاکستان حمایت می‌کند. هم‌چنان در گزارش گفته شده که پاکستان به گونه‌ی رسمی مدرک گفت‌گویی ملا فضل‌الله را برای اثبات دست‌داشتن استخبارات هند در این مورد و حضور فضل‌الله در افغانستان، به مقام‌های افغان سپرده‌است. دولت اسلام‌آباد در گذشته نیز هند را به حمایت از شورشیان مخالف پاکستان از طریق خاک افغانستان متهم کرده است، اما هند و مقام‌های افغان این اتهام‌ها را رد کرده‌اند.

## گسترش جنگ به سود کیست؟



کهرام

گسترش دامنه‌ی جنگ به شمال و شمال‌شرق از راه تقویت گروه‌های تندرو اسلامی، نقش پاکستان را در "جنگ انتقالی" برجسته‌تر از افغانستان می‌سازد. شماری از کارشناسان به این باور اند که دولت کابل سعی دارد در روند انتقال جنگ به آسیای میانه که از سوی سازمان‌های استخباراتی غرب پیش برده می‌شود، نقش شریک استراتژیک را بازی کند. اگر یک چنین ادعایی درست باشد، پاکستان یقیناً سعی دارد این بازی را به سود خودش رقم بزند. مهارت نظامیان پاکستانی در مدیریت گروه‌های تندرو اسلامی از هیچکس پوشیده نیست. پاکستانی‌ها هم تجربه‌ی زیادی در این کار دارند و هم از امکانات بیشتری در مقایسه با دولت کابل برخوردار اند.

۲

## "ماموریت پایدار ناتو در افغانستان"

## پس از ۲۰۱۶ آغاز می‌شود



یکی از خواست‌های افغانستان از کشورهای عضو ناتو در نشست آنتالیا، ارایه آموزش‌های پیشرفته نظامی به اردو و پولیس افغانستان بوده است. وزیر خارجه گفت که این پیشنهاد در اصول قبول شده و جزئیات آن در کنفرانس آینده ناتو در سال ۲۰۱۵ اعلام می‌شود.

## سال دشوار افغانستان

حمایت ناتو در حالی از افغانستان ادامه می‌یابد که این کشور سال دشواری را سپری می‌کند. در کنار خطر طالبان، اکنون نیروهای وابسته به "داعش" نیز، خطرهایی را برای افغانستان به وجود آورده‌اند. در حال حاضر نیروهای امنیتی در ولایات کندز، بغلان، فاریاب، غزنی، غور، بدخشان و زابل مصروف جنگ با طالبان هستند. طالبان در روزهای اخیر حملات سنگینی را بر ولسوالی‌های "پسایند" و "چهارسده" ولایت غور انجام دادند تا آنها را به کنترل خود درآورند؛ ولی وزارت داخله می‌گوید که در نتیجه نبرد سنگین، طالبان از مراکز این دو ولسوالی عقب نشینی کرده‌اند.

مقامات حکومت افغانستان می‌گویند، پس از توافق وزیران خارجه کشورهای عضو ناتو برای حضور در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۶، این کشور امیدوار است که تمویل مالی نیروهای دولتی نیز پس از این سال ادامه یابد. وزیران خارجه کشورهای عضو ناتو روز ۲۳ ثور توافق کردند که ماموریت ناتو در افغانستان پس از سال ۲۰۱۶ نیز ادامه یابد. ناتو در حال حاضر مصروف پیشبرد ماموریت "حمایت قاطع" از افغانستان است. این ماموریت شامل آموزش و مشوره دهی به نیروهای افغان است اما مقام‌های افغانستان می‌گویند، بر اساس توافقی که در آنتالیای ترکیه به دست آمده، قرار است ناتو همکاری‌های بیشتری با نیروهای افغان داشته باشد. نیروهای ناتو که در سیزده سال گذشته دوشادوش نیروهای افغانستان در برابر طالبان می‌جنگیدند، حالا در جبهات جنگ حضور ندارند اما این نیروها پولیس و اردوی افغانستان را آموزش و مشوره می‌دهند. صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه افغانستان روز شنبه، ۲۶ ثور ۱۳۹۴، در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: "این یک دستاورد بسیار خوب برای افغانستان بود. تا چند ماه قبل مشارکت پایدار مطرح نبود اما در چند ماه اخیر با توجه به وضعیت خاص افغانستان و منطقه و تهدیدهای نوظهور و جدید، تلاش‌های ما نتیجه داد و در این نشست برای اولین بار ناتو به ادامه همکاری‌هایش پس از سال ۲۰۱۶ به چهارچوب "ماموریت پایدار ارتقا یافته" تاکید کرد"

## آموزش‌های پیشرفته نظامی

وزیر خارجه افغانستان گفت، ناتو با بسیاری کشورها همکاری دارد ولی نحوه همکاری ناتو با افغانستان فرق می‌کند. زیرا ناتو در چارچوب این همکاری‌ها آموزش‌های بیشتری به نیروهای افغان می‌دهد و در عرصه مشوره‌دهی نیز نقش برجسته‌تری دارد.

## امارت اسلامی و مشکل انتخاب



✓.....آزاد

گردیده و از امارت اسلامی حمایت کردند. رهبران تنظیم‌های جهادی که در آن وقت به جنگ داخلی برای تقسیم قدرت در داخل کشور مصروف بودند، در عین موقعیت (مشکل انتخاب) درگیر گردیدند. رهبری جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی که بعد از سرهمبندی شورای حل و عقد در راس قدرت سیاسی قرار گرفته بودند، شکل‌گیری امارت اسلامی را کار غیرمشروع و آنرا پروژه‌ی استخبارات منطقه دانسته و مبارزه بر ضد آن را وجیبه‌ی دینی و مقاوت ملی می‌گفتند.

حزب اسلامی (شاخه حکمتیار) به مشکل بیشتر دچار بود، زمانیکه دولت اسلامی کابل به او امتیاز قایل می‌گردید، آنرا مشروع و هرگاه امتیازات آن ...

صفحه‌ی ۳

امارت اسلامی افغانستان که پس از نشست شورای علمای آن زمان، ۴ اپریل ۱۹۹۶ و انتخاب ملامحمد عمر آخوند به صفت امیرالمومنین و زعیم دینی به مشروعیت سیاسی دینی دست یافت، نیروهای دیگر جهادی را گروه‌های شر و فساد نامیده و در مقابل آنان اعلام جهاد کرد.

این امارت که به زودی پس از استقبال از اسامه بن لادن از جانب القاعده هم به طور ضمنی مورد تایید قرار گرفت، توانست کشورهای تأثیرگذار اسلامی از جمله پاکستان و عربستان سعودی را نیز در کنار داشته باشد. بدنال آن گروه‌ها و نیروهای متعدد منسوب به اسلام سیاسی که زاده‌ی سیاست‌گذاری آن دو کشور اسلامی در منطقه است، ناگزیر به تایید و یا سکوت



## گپ مردم



### علیه جنگ گرای

ب. آذری

یکی از دلایل پایه‌یی بحران و بی‌ثباتی در افغانستان به موقعیت ژئوپولیتیک این کشور برمی‌گردد. هنوز زمامداری در افغانستان روی‌کار نیامده که بتواند از این موقعیت راهبردی به درستی بهره‌برداری و از آن به منظور بهروزی و خودکفایی مردم‌اش استفاده کند. اما این موقعیت برای دشمنان افغانستان بیشترین فرصت را فراهم کرده تا با اعمال نفوذ در میان گروه‌های تندرو اسلامی و راه‌اندازی جنگ نیابتی به امکانات گسترده‌ی نظامی، اقتصادی و سیاسی برسند.

افغانستانی‌ها چه در زمان جنگ علیه روسها و چه پس از آن، در سطح کوچک برای منافع گروهی و تنظیمی خودشان جنگیده‌اند، اما در سطح کلان به سود راهبردهای ابرقدرت‌ها. افغانستانی‌ها به دلیل آگاهی کم، ناتوانی سیاسی-نظامی و وابستگی اقتصادی هرگز نتوانسته‌اند مدیریت جنگ را در دست بگیرند.

اگر سیاست را به چند واقعیت آشکار و علنی فشرده کنیم، پاکستان را در جبهه‌ی دشمن می‌بینیم، اما اگر عمیق‌تر به بحران افغانستان بنگریم، در جنگ کنونی دست‌های زیادی دخیل‌اند و تنها طالبان و پاکستان نیستند که می‌جنگند. گروه‌های مختلف، به نمایندگی از سیاست‌های اربابان‌شان در جنگ افغانستان سهم دارند؛ البته در صورتیکه جنگ را صرف به لشکرکشی و رویارویی گرم فشرده نکنیم. برخی از دولت‌ها در سیاست علنی از یک گروه و در سیاست پنهان‌شان از گروه دیگر پشتیبانی می‌کنند. از این نظر، سران "حکومت وحدت ملی" نمی‌توانند با جلب حمایت پاکستان و عربستان سعودی، بحران افغانستان را تمام‌شده قلمداد کنند. ایجاد توازن در سیاست خارجی چیزی است که رئیس‌جمهور غنی برای تامین آن به هند رفت. از گفتگوی او با سی. ان. ان این حقیقت به روشنی آشکار است که غنی سعی دارد میان افغانستان، پاکستان و هند همگرایی منطقه‌یی ایجاد کند. اما

برگرداندن اعتماد میان دو کشوری که تا کنون سه بار در جنگ گرم به مصاف هم رفته‌اند، به این سادگی ممکن نیست. تا زمانیکه نظامی‌گری از سیاست پاکستان حذف نشود و حلقه‌های بزرگتر بازی استخباراتی از دخالت در افغانستان دست‌بردار نشوند، افغانها همچنان در جنگ خواهند بود و چاره‌یی هم جز جنگیدن ندارند. اما جنگ کنونی، جنگ افغانستانی‌ها نیست، چون در این جنگ حضور آگاه ندارند. هر سربازی هم که کشته میشود، برای تامین منافع کلان قدرت‌های بزرگ کشته میشود و برای همین خونهای ریخته شده خونهای نیست که درخت آزادی افغانستان را آبیاری کند. جنگ زمانی مال ما خواهد بود که به عنوان کنشگر آگاه، سیاست‌فهم و باورمند به رهایی از چنگ عاملان بیگانه در این جبهه حضور داشته باشیم. تا این پیش‌شرط تامین نشود، ما برای دیگران جنگیده‌ام و این جنگ نفرت‌انگیزترین کاری است که می‌کنیم.

# گسترش جنگ به سود کیست؟

نمی‌تواند انکار کند؛ کشورهایی که با پاکستان روابط نزدیک دارند و از حامیان مالی این کشور به حساب می‌آیند. اگر روند صلح با طالبان به نتیجه برسد و بخش میانه‌رو گروه طالبان به دولت افغانستان ادغام شود، بخش تندرو این گروه به داعش می‌پیوندد؛ کاری که از هر دو جهت به سود پاکستان می‌انجامد: نظامیان پاکستانی هم در دولت کابل صاحب نفوذ بلند خواهند شد و هم در میان داعش.

داعش یگ گروه تک‌ملیتی عرب نیست که محدود به عراق و سوریه باشد. این گروه تروریستی یک جمع قابل توجه شورشیان چندملیتی است که در صدد ایجاد خلافت جهانی اسلامی می‌باشد و حدود مرزهای جغرافیایی کنونی کشورها را به رسمیت نمی‌شناسد. داعش در افغانستان هم ترکیب چندملیتی دارد و متشکل از طالبان افغان، طالبان پاکستانی و شورشیان خارجی است؛ موضوعی که گراف نفوذ پاکستان در میان این گروه را بالا می‌برد. با توجه به نقش کلیدی‌یی که دولت پاکستان در مدیریت گروه‌های تندرو اسلامی دارد، داعش در افغانستان نمیتواند بدون دولت اسلام‌آباد زنده بماند؛ این را نظامیان پاکستانی بهتر از هر کس دیگر میدانند.

پ: گسترش جنگ در کنار تولید ترس و تبلیغ ذهنیت ناامنی در میان شهروندان، تمرکز عملیاتی دولت افغانستان و نیروهای امنیتی را از میان می‌برد و موجی از بدبینی نسبت به پیروزی دولت کابل در جنگ با شورشگری روبه‌افزایش را تولید می‌کند؛ مساله‌یی که بازهم راه را برای امتیازگیری بیشتر پاکستان فراهم می‌سازد.

**گسترش دامنه‌ی جنگ به شمال و شمال‌شرق از راه تقویت گروه‌های تندرو اسلامی، نقش پاکستان را در "جنگ انتقالی" برجسته‌تر از افغانستان می‌سازد. شماری از کارشناسان به این باور اند که دولت کابل سعی دارد در روند انتقال جنگ به آسیای میانه که از سوی سازمان‌های استخباراتی غرب پیش برده می‌شود، نقش شریک استراتژیک را بازی کند. اگر یک چنین ادعایی درست باشد، پاکستان یقین سعی دارد این بازی را به سود خودش رقم بزند. مهارت نظامیان پاکستانی در مدیریت گروه‌های تندرو اسلامی از هیچکس پوشیده نیست. پاکستانی‌ها هم تجربه‌ی زیادی در این کار دارند و هم از امکانات بیشتری در مقایسه با دولت کابل برخوردار اند. با آنکه داعش پروژه‌ی استخباراتی پیچیده است، اما نقش متحدان عرب ایالات متحده آمریکا را در ایجاد این گروه تروریستی کسی**

بازیر استراتژیک در بحران افغانستان بیش از پیش مطرح می‌کند و کفه‌ی امتیازگیری دولت اسلام‌آباد را در دادوستدها با دولت کابل سنگین‌تر می‌سازد. از این نظر، تلاش اصلی نظامیان پاکستانی گسترش نفوذ در مناطق شمالی، شمال‌شرقی و غرب از راه تجهیز و تسلیح گروه‌های تندرو اسلامی است. نظامیان پاکستانی از یکسو با سفرهای علنی و پنهان به کابل و دادن وعده‌های چرب و نرم، دولت کابل را مصروف بازی‌های دیپلماتیک می‌کنند و از سوی دیگر، همچنان در حال عملی‌سازی برنامه‌ی سراسری کردن جنگ در افغانستان هستند.

ب: گسترش دامنه‌ی جنگ به شمال و شمال‌شرق از راه تقویت گروه‌های تندرو اسلامی، نقش پاکستان را در "جنگ انتقالی" برجسته‌تر از افغانستان می‌سازد. شماری از کارشناسان به این باور اند که دولت کابل سعی دارد در روند انتقال جنگ به آسیای میانه که از سوی سازمان‌های استخباراتی غرب پیش برده می‌شود، نقش شریک استراتژیک را بازی کند. اگر یک چنین ادعایی درست باشد، پاکستان یقین سعی دارد این بازی را به سود خودش رقم بزند.

مهارت نظامیان پاکستانی در مدیریت گروه‌های تندرو اسلامی از هیچکس پوشیده نیست. پاکستانی‌ها هم تجربه‌ی زیادی در این کار دارند و هم از امکانات بیشتری در مقایسه با دولت کابل برخوردار اند. با آنکه داعش پروژه‌ی استخباراتی پیچیده است، اما نقش متحدان عرب ایالات متحده آمریکا را در ایجاد این گروه تروریستی کسی

## مکت کوتاه بر پیشینه‌ی اصلاحات...

رفورم اراضی حکومت محمد داوود بسنده کرده و به اعیان روستایی تسلیم گردید. دولت داوود که به منظور مهار قدرت اعیان روستایی و تقویت اقتدار دولت از طریق امتیاز به دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین، زمینه اصلاحات را برای کودتاچیان ۷ ثوری فراهم کرده بود، اقتدار جدید را عجولانه به سوی دولتی ساختن مالکیت اراضی در کنار سرمایه‌داری دولتی جهت داد. عقب‌نشینی و امتیاز به صاحبان اعتقادات مالکیت نامحدود سرانجام بعد از گذشت یک قرن از اصلاحات امانی، پیرامون مساله ارضی، رژیم پس از کنفرانس بن اول (۲۰۰۱م) را مجبور به بازگشت به سال ۱۳۰۷ ه. ش کرد که در کنار قبول برنامه‌ی رژیم جمهوری برخاسته از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه. ش و فروش اراضی گویا دولتی، نظام نامه ناقلین دوره‌ی امانی را نیز در کنار برنامه‌ی اصلاحات ارضی‌اش قرار داده و گرایش‌ها با برنامه مشخص سیاسی، قبیلوی‌اش را از طریق گویا جمهوری اسلامی و فضای حاکمیت دموکراسی و مردم‌سالاری بار دیگر تطبیق نماید.

که قیمت زمین را به شکل پول نقد می‌پرداخت. واضح است که آن شیوه‌ی اصلاحات نه به نفع دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بلکه به سود ملاکان بزرگ و پولداران وقت تمام می‌شد. جریان مبارزه برای محدودسازی مالکیت ارضی به جمهوری محمد داوود بر می‌گردد، که وی با محدودکردن مالکیت در سطح صد جریب زمین اعلی برای مالک در برنامه رفورم ارضی‌اش، ملاکان بزرگ کشور را نسبت به نظام مشکوک و آنرا در کنار اسلام‌گرایان که از مالکیت نامحدود حمایت می‌کردند، قرار داد.

پس از اعلام رفورم ارضی ناکام و سقوط حاکمیت دودمان سلطنتی، برنامه اصلاحات ارضی توسط کودتاچیان ۷ ثوری روی دست گرفته شد، که با اعلام فرمان شماره هشتم و حق مالکیت برای ملاکان بزرگ تا حدود سی جریب زمین اعلا، تفاوت بین دهقان نو مالک و ملاکان را به ۱:۵ کاهش و پس از مدتی بعد از عقب‌نشینی چند مرحله‌یی به پذیرش

## نگاهی به وضعیت شغل...

مالکان رمه و گله با فردی که وظیفه چوپانی و یا گله‌بانی را به عهده می‌گیرد، همانند دهقان با او عقد قرارداد می‌بندند. در ورق پیمان‌نامه تعداد راس حیوانات، مقدار مرزد به شکل جنس و یا نقد و در کنار آن موضوع تامین غذا، آغاز و ختم کار در اول و آخر سال درج می‌گردد. قراردادهای مختلف دارد، در بسیاری از نقاط کشور چوپان و یا گوروان از مالک رمه و گله سهم معین دارد که در جریان سال از آن مراقبت یا مواظبت می‌نماید. چوپان با گرفتن مزد مکلفیت‌هایی دارد که در جریان کار باید آنرا مراعات نماید. حفاظت از حیوانات اهلی در مقابل حمله حیوانات وحشی، مراقبت هنگام حمل و بارداری از حیوانات، چگونگی استفاده از شیر در مورد حیوانات شیرده، سوارکاری و انتقال بار که در بخش تربیت اسب و خر قابل یادآوری است، از جمله موضوعاتی است که چوپان باید آنرا بی‌پذیرد. نقش اقتصادی گله‌داری و رمه‌داری یا تربیت حیوانات اهلی در اقتصاد روستایی نظر به وضعیت آب و هوا و ساختار جغرافیای فیزیکی فرق می‌نماید. در شمال و جنوب کشور که در بخش از سال آب و هوای مناسب موجود است، ارزش تربیت حیوانات (مالداری) قابل توجه به نظر می‌رسد. در حالیکه در نواحی مرکزی که اقلیم سرد و در نواحی جنوب غربی که اقلیم سوزنده و گرم دارد، نقش آنچنان موثر ندارد. لازم به یادآوری است که در بسیاری از روستاها، روستاییان به شکل تعاونی، نظر به تعداد احشام شان بدون استخدام چوپان و یا گوروان درون مراتع مشترک روستایی به نگهداری و پرورش حیوانات شان مصروف بوده و تقسیم کار بر مبنای تعداد حیوان بر اساس روز صورت می‌گیرد.

ادامه دارد

## برگی از تاریخ

### آخرین روزهای قدرت داکتر نجیب

"همزمان با تصرف شهر مزار شریف، عبدالرشید دوستم، احمدشاه مسعود و عبدالعلی مزاری همراه با شماری از فرماندهان متحد خود در شهر جبل السراج در شمال کابل گرد آمده، اساس اتحادی را گذاشتند که بعدن به ائتلاف شمال شهرت یافت. در این دیدار به گفته‌ی ژنرال عبدالرشید دوستم، برنامه‌ی حمله به کابل مورد توافق قرار گرفت و ریاست ائتلاف به احمدشاه مسعود سپرده شد: "آنجا که رفتیم، سالنگ جنوبی سقوط کرده بود، شب ما در آنجا رسیدیم. شب رفتیم جبل السراج، همراه مسعود. سه تا چهار روز در آنجا نشستیم جلسه کردیم. تمام قوماندانانهای شمال بودند و او هم قوماندانانهای خود را از هر استقامت خواسته بود. آنجا در آن نشست فیصله کردیم که به کابل چطور برویم، طرح و پلان ما چه باشد؟ آنجا در آن نشست همگی ما بودیم. همین شورا، شورای عالی جهادی افغانستان نامگذاری شد و البته ما پیشنهاد کردیم، همگی نظرشان همین شد که احمدشاه مسعود به عنوان رئیس شورای جهادی افغانستان تعیین شود، مزاری صاحب به عنوان معاون در بخش اداری تعیین شود و در بخش نظامی هم من باشم."

پس از دیدار احمدشاه مسعود، عبدالعلی مزاری و ژنرال دوستم در جبل السراج، آنها بسیج نیروهای خود را برای تصرف کابل آغاز کردند. حدود هفتصد تن از افراد ژنرال دوستم اولین گروهی بود که وارد کابل شد: "هفده هزار نفر را جمع کردیم. شب اول ما توانستیم هفتصد الی هشتصد نفر را در میدان هوایی کابل پیاده کنیم. پروگرام کار ما همین طور بود که خود ما برویم در تپه‌های خواجه‌رواش. همین شب قطعات کابل را ببینیم. در اثنایی که من در طیاره بالا شده بودم، از آمر صاحب مسعود بی‌سیمش آمد که پرسنل بیاید خوب است، اما خودت ژنرال دوستم به خاطر ترتیب و تنظیم کارهای شمال باشی و آنجا به اصطلاح دیگر رقم برداشت نشود، البته رهبران در همان وقت یک شورا در اسلام آباد داشتند. [مسعود] آن طرف تماس داشت، نمی‌دانم چطور، عصر روز بود. بعد فیصله به همین شد که یک دفعه قطعات بروم، من از رفتن صرف نظر کردم."

در همین حال نیروهای شورای نظار تحت رهبری احمدشاه مسعود به سوی پایتخت حرکت کرده و در پانزدهم اپریل با همکاری بخشی از نیروهای دولتی کنترل پایگاه هوایی بگرام را به دست گرفتند، اما داخل شهر نشدند. فرمانده احمدشاه مسعود می‌گوید، نیروهای او به این دلیل نخواستند وارد شهر کابل شوند که سقوط کابل نه از طریق جنگ بلکه از طریق مفاهمه با شرکت همه فرماندهان و رهبران تنظیم‌ها صورت گیرد: "قوت‌های جمعیت اسلامی - شورای نظار از صفحات شمال شروع شده و تا قسمت چاریکار و بگرام رسید. زمانی که عملیات تا چاریکار و بگرام رسیده بود با قوای نظامی خود داخل کابل می‌شدیم و قضیه را یک طرفه می‌ساختیم، اما ما این کار را نخواستیم بکنیم. به این دلیل نخواستیم بکنیم که دیگر احزاب مختلف در افغانستان جهاد کرده، قوماندانانهای مختلفی وجود دارد، ما خواستیم که مساله‌ی کابل از طریق جنگ فیصله نشود، از طریق مذاکره و با تفاهم با همه احزاب و قوماندانان حل شود. و به همین اساس بود که من قضیه را به رهبران و به قوماندانانهای جهادی محول کردم تا در قسمت تشکیل یک حکومت اسلامی بین خود به توافق برسند."

روز سیزدهم اپریل دکتر نجیب الله اعلام کرد که آماده است تا آخر ماه اپریل قدرت را به حکومت انتقالی بسپارد؛ اما از حکومت انتقالی که باید قدرت را به دست می‌گرفت خبری نبود.

روز شانزدهم اپریل دکتر نجیب الله خواست تا از کشور خارج شود، اما افراد مسلح مخالف او مانع خروجش شدند. در حالی که نیروهای دولتی کنترل شهر کابل را در اختیار داشتند، پریزیدنت نجیب الله از فرودگاه برگشته و به دفتر سازمان ملل در کابل پناهنده شد. احمد سرور، سفیر سابق افغانستان در دهلی و از نزدیکان دکتور نجیب الله می‌گوید، مخالفان نجیب الله در داخل حزب و دولت علیه او دست به کودتا زده بودند و او راهی جز فرار نداشت: "مذاکراتی که بین یک جناح حزب با بخشی از نیروهای جهادی در سمت شمال صورت گرفته بود، به توافقاتی رسیده بودند. اینها می‌خواستند که توسط یک کودتا مرحوم داکتر نجیب را از بین ببرند و او را مجبور ساختند به این شکل تا با بنون سیوان در تماس شود و بنون سیوان پیشنهاد می‌کند که باید از افغانستان خارج شود. و زمانی که می‌خواست خارج شود، اینها مانع شدند و وی به ملل متحد پناه برد. وقتی که نماینده‌ی ملل متحد در داخل افغانستان بود و می‌خواست که در بیرون رفتن مرحوم داکتر نجیب الله از افغانستان مساعدت کند، پس معلوم است که یک فشار بیرونی بوده که ملل متحد موافقت کرده بود تا ایشان باید از افغانستان خارج شود. اگر یک چنین فشاری وجود نمی‌داشت، البته هیچ کس نمی‌خواست دست به اقدامی بزند که بدون موجب بخواد از افغانستان فرار بکند."

منبع: افغانستان در قرن بیستم، اثر ظاهر طینین، صص ۳۷۰ -

## امارت اسلامی و مشکل...

به نظر می‌رسد امارت اسلامی افغانستان به ویژه پس از اعلام حمایت القاعده از دولت اسلامی و بوکوحرام از آن و به خصوص پالیسی مشکوک استخبارات منطقه و حامیان آن درون کشورهای اسلامی از آن امارت به مشکل پیچیده‌ی مشروعیت دینی، سیاسی و اجتماعی درون حامیان داخلی، منطوقی و جهانی‌اش دچار گردیده است. تأیید و یا رد دولت اسلامی از جانب امارت اسلامی، این نظام را که از لحاظ دینی خود را یگانه حاکمیت مشروع دینی در جهان اسلام و بیعت به زعیم آن امارت را برای هر مسلمان امر واجب می‌دانست، به یک مساله‌ی پیچیده‌ی فقهی و شرعی دچار کرده است. این وضعیت شباهت بسیار به آخرین روزهای حیات خلیفه ی سوم در صدر اسلام دارد، که سرنوشت آن در صفحات تاریخ مشخص است. در این روزها این انتخاب به ویژه در افغانستان پیروان امارت اسلامی را در یک موقعیت دشوار سیاسی و شرعی قرار داده است.

از یک طرف کاهش جدی حضور نیروهای جنگی خارجی و اعلام حضور جنگی از جانب آنان برای بسیاری از افراد منسوب به آن امارت گذشته از موضوع دسترسی به قدرت سیاسی، مشروعیت سیاسی در کنار آمدن با جمهوری اسلامی را فراهم و از جانب دیگر مشروعیت سیاسی امارت اسلامی و بیعت به دولت اسلامی از سوی آنان به یک بحث پیچیده‌ی فقهی دچار گردیده، اگر جمهوری اسلامی را بپذیرند، گناه این همه جرم که صورت گرفته به گردن آنان بار سنگینی است، که همه می‌دانیم. در غیر آن اگر جمهوری اسلامی نپذیرند و به دولت اسلامی بیعت نمایند، از نگاه شرع فرد مسلمان تا زمانیکه امیرالمومنین به او بیعت کرده در قید حیات قرار داشته باشد، جواز شرعی بیعت به فرد دیگر را نداشته و با انتخاب آن مرتکب عمل غیرشرعی گردیده است.

اکنون که امارت اسلامی با سربرازگری دولت اسلامی از درونش مواجه گردیده با یک تهدید بالفعل و جدی دچار شده است. اعضای این ساختار عقیدتی ناگزیر به انتخاب چندین راهکار است:

الف: تندروان مذهبی آن امارت که خواب حکومت جهانی اسلام را می‌بینند، یقینن با پیوستن به دولت اسلامی

کاهش داده می‌شد، آنرا زاییده جنرالان کمونیست نامیده و با راکت پراگنی کور بر ضد آن مقاومت می‌نمود.

سرانجام، پس از کنفرانس بن اول (۲۰۰۱) دولت اسلامی به زعامت آقای ربانی، مشروعیت حقوقی‌اش را به آن کنفرانس تسلیم و به حیث شریک عمده در قدرت موقعیتش را تثبیت کرد.

حزب اسلامی که هم از کاروان بن و هم از قطار طالب عقب مانده بود، به گونه‌ی ضمنی موضع مخالف گرفته و با تغییر استراتژی، اعضایش را درون دولت پس از بن سازماندهی، اما در اصول آنرا رد و تا حدود تجویز انتحار، در مخالفت با آن به کارش ادامه داد.

امارت اسلامی، پس از شکست سکوت، اما به تدریج موضع جنگی گرفته و جمهوری اسلامی افغانستان را غیرمشروع و مقاومت در مقابل آن را از امور اعتقادی اعلام کرد.

اشتباه امارت اسلامی در انتخاب پسوند نام افغانستان که مشروعیت وجهه جهانی آنرا کاهش داده است، برای بسیاری از تندروان دینی، قوم‌گرایان تمامیت‌خواه (اعم از چپ، میانه و راست) نسخه مطلوب ارزیابی گردیده و حتا کودتاچیان ۷ ثوری را که مشترکات قبیلوی با یک عده از رهبران امارت داشت، در محورش گردآورد.

اعلام دولت اسلامی عراق و شام (داعش) توسط ابوبکر بغدادی و یا زعیم آن دولت همان اشتباهی بود که امارت اسلامی با انتخاب پسوند افغانستان پیش از آن در قندهار به آن دچار گردیده بود، اما کلمه‌ی عراق و شام به زودی حذف گردیده و دولت اسلامی که شعار پان اسلامیزم را با خود حمل می‌نماید، به جای آن اعلام گردید.

دولت اسلامی که هیچ‌گاه نتوانسته همانند تجمع مسلمانان در تیفه‌ی بنی ساعده در صدر اسلام و یا کسب مشروعیت از طریق وصیت در زمان خلیفه دوم و انتخاب از درون شورا که آن هم مبتنی بر وصیت بود (در دوران انتخاب خلیفه‌ی سوم) مشروعیت دینی‌اش را کسب نماید، برنامه‌ی آن بیشتر به مقاومت بنی عباس در مقابل سیطره‌ی بنی امیه شباهت دارد، که بعد از رهبری یک شورش داخلی به زعامت رسیده است.

## چرا دانش آموزان از مکتب...

- فرار از مکتب می‌تواند ناشی از وجود مشکل درون خانواده باشد. (همان، ۱۳۹۱: ۱۰۶۳)

این پدیده می‌تواند پیامدهای ناگوار فردی - اجتماعی دیگری چون دروغ‌گویی، زدنی، فحشا، سیگارکشیدن، قیماربازی، استفاده از مواد مخدر، ولگردی، انزوای فردی - اجتماعی، تجاوز، مشروب‌خواری، پرخاشگری و سرانجام تشکیل باند‌های بزهکار، ضداجتماعی و مافیایی داشته باشد.

همان طوری که این پدیده از عدم ساختارمندی مکتب، ناسازگاری شاگرد و خانواده‌های ازهم‌گسیخته ناشی می‌شود، درمان آن نیز مستلزم اقدامات سه جانبه است. پس برای پیشگیری از فرار دختران و پسران از مکتب، خانواده‌ها و مکاتب باید طرح و برنامه‌های موثری را بریزند تا بتوانند یک محیط سالم تحصیلی برای شاگردان فراهم کرده و زمینه‌ی مکتب‌گریزی، افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل را کاهش و از بین ببرند. در این اقدام نقش عمده را خانواده و مکتب بازی کرده می‌توانند تا فرد مکتب‌گریز. اداری مکاتب می‌توانند برای پیشگیری از این پدیده، اقدامات کاربردی و موثری را در پیش گیرند؛ اقدام‌های نظیر تغییر برنامه‌های درسی، از بین بردن عیب و نقص تدریس، ایجاد علاقه‌مندی به دانش آموزان برای پذیرش مسوولیت در کارهای

مکتب و تنظیم برنامه‌های درسی مطابق با نیاز و شرایط فرد و دخالت دادن دانش‌آموزان و دبیران در تنظیم و تهیه برنامه‌های درسی، ضروری به حساب می‌آیند، حتا می‌تواند با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدین، آنان را نسبت به رعایت استانداردها و تعادل در خانواده آگاه سازد و جلسات متعددی با خانواده‌ها جهت رفع مشکلات شاگردان و ایجاد رابطه‌ی موثر بین مکتب و والدین ایجاد کنند. استادان و شاگردان دیگر نیز می‌توانند در انگیزه‌دادن فرد مکتب‌گریز نقش موثری داشته باشند؛ از یکسو فرد مکتب‌گریز را در یادگیری کمک کنند و از سوی دیگر از برچسپ‌زدن فرد مکتب‌گریز بپرهیزند.

در خانواده نیز اعضای خانواده بجای اینکه با خشونت با وی رفتار کنند، در جستجوی یافتن عوامل مکتب‌گریزی وی باشند و برای حل این قضیه، عوامل موثر را شناسایی و از بین ببرند. البته در کنار پیشنهاد ارائه‌شده، می‌توان به بعضی راه‌های پیشگیری دیگر نیز اشاره نمود:

- بررسی حضور و غیابت دانش‌آموزان باید به طور منظم صورت گیرد و در صورت غیابت شاگرد، به والدین‌شان اطلاع داده شود.
- در انتخاب معلمان، سرمعلمان و مدیران مکاتب دقت لازم صورت گیرد.
- در صورتی که علایم اختلالات روانی و اضطراب را در شاگرد مشاهده می‌کند، والدین را در جریان قرار دهد.

وجیهی دینی‌اش را ادا و با گرفتن بیعت از امیرالمومنین امارت اسلامی و بیعت به رهبری دولت اسلامی کفاره‌ی کارش را به جان می‌خرد.

ب: جناح‌های قوم‌گرای آن که با پوشش عقیدتی خود را استتار می‌نمایند، در صورتی که آن بستر را برای داعیه‌ی تمامیت‌خواهانه‌ی شان مناسب ندانند، آن را رها و با توجیحات لازم به جمهوری اسلامی پیوسته و با گذر از فترت چندین تماس و مذاکره به نان و نوای قدرت به گونه‌ی دیگر دست می‌یابند.

ج: سربازان عادی امارت اسلامی راهکار خود را دارند، عده‌ی از آنان که داعیه‌ی دینی دارند، در صورت تغییر در مواضع رهبران به دولت اسلامی پیوسته و به عنوان فدایی در خدمت اهداف آن دولت قرار خواهند گرفت.

د: آن عده سربازان عادی که از طریق راهیابی به آن ساختار، اهداف اقتصادی دارند، از آنجاییکه امکانات مالی دولت اسلامی در تناسب به امارت اسلامی بیشتر به نظر می‌رسد، دولت اسلامی را نسبت به امارت اسلامی ترجیح داده و در کنار آن می‌ایستند.

ه: بخش دیگری که عقده‌های نه چندان قابل توجه را تعقیب و برای ارضای آن در کنار امارت اسلامی قرار داشتند، برخی به دولت اسلامی پیوسته و جمع دیگر آن به حاشیه قرار گرفته و بتدریج با نقد و گلایه و شکایت از صحنه حذف خواهند شد.

و: جناح فرصت طلبان درون امارت اسلامی متوجه سنگینی پله بوده و با شناخت پله سنگین، یقینن خود را به آن جایگاه پرتاب خواهند کرد.

ی: رهبری امارت اسلامی که از نگاه عقیدتی با دولت اسلامی هیچ‌گونه مشکل ندارد، برخلاف در عرصه‌ی سیاسی و موضوع رهبری نگرانی‌های متعدد دارد. به خصوص هم‌اکنون که موجودیت هواداران داخلی و خارجی دولت اسلامی در افغانستان به یک موضوع غیرقابل انکار مبدل گردیده، موضع‌گیری در مورد تأیید و یا رد آن از جانب امارت اسلامی قضاوت جهانی را در پی داشته و نگرانی جامعه جهانی را در مورد تشدید و یا کاهش خشونت افزایش و یا کاهش خواهد داد.

- محیط مکتب باید مطلوب‌تر از محیط خانه و خانواده ساخته شود.
- تهیه و تنظیم کارنامه‌های محرمانه برای هر یک از شاگردان، تا استادان با استفاده از آن، از یک سو بتوانند در آن از وضعیت روانی و جسمی فرد گزارش دهند و از سوی هم بتوانند با استفاده از گزارشات ارائه شده در مورد فرد اطلاع حاصل کنند.
- ایجاد روابط متقابل بین والدین و مکتب و بالابردن آگاهی والدین.
- شناسایی کودکان عقب‌مانده ذهنی و معرفی آنان به مراکز مخصوص معارف.
- برانگیختن انگیزه‌ی دانش‌آموزان برای روی آوردن به درس، مکتب و کتاب.
- ایجاد روابط موثر استادان با شاگردان.
- عدم برخورد تحقیرآمیز و تهدیدآمیز استادان با شاگردان.
- پرهیز از خشونت‌های خانوادگی و تنبیه بدنی از طرف خانواده.
- عدم تبعیض بین دانش‌آموزان.
- سرزدن والدین به مکتب و دریافت معلومات در مورد فرزندان شان.
- فرد نیز برای رهایی از این وضعیت، باید انگیزه‌ی درونی و تحرک بیرونی حاصل کند.

منبع:

آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، محمد کاوه،



خادم حسین فایز

## چرا دانش آموزان از مکتب فرار می‌کنند؟



عوامل عمده‌ی چون بی‌علاقگی شاگرد، هم‌سالان مکتب‌گریز، بی‌کار و بزهکار، نهادهای ازهم‌گسیخته‌ی معارف و خانواده و عدم ارتباط این دو نهاد نقش عمده‌ای در مکتب‌گریزی شاگردان دارد. اما واکنش و همکاری شش نکته‌ی عمده را به عنوان عوامل و پیامدهای این پدیده نشان می‌دهند:

- کودکانی که به طور دایم از مکتب می‌گریزند، احتمال بیشتری وجود دارد که ترک تحصیل کنند. بنابر این آنها از نظر اجتماعی و اقتصادی در زندگی آسیب‌پذیرتر اند.
- فرار از مکتب یک عامل خطرناک برای بزهکاری است.
- سر و کله زدن با دانش‌آموزان مکتب‌گریز زمان زیادی از معلمان را می‌گیرد. مکتب‌گریزان ممکن است محیط درون کلاس را مانند جو درون مکتب به اغتشاش بکشاند.
- فشار روانی یا بیماری‌های روانی از قبیل هراس از مکتب یا اضطراب جدایی، علت‌های احتمالی مکتب‌گریزی است که نیازمند درمان بالینی می‌باشد.
- مکتب‌گریزی مداوم، به مشکلات ساختاری مکتب اشاره می‌کند. ...

صفحه‌ی ۳

صورت گرفته و وظیفه‌ی آن مختص به مواظبت از برهه‌ها و یا بزغاله‌ها می‌باشد. گاوپران (گوروان) شخص اجیری است، که وظیفه‌ی آن عمده‌تن مراقبت از حیوانات شاخ‌دار و سم‌دار در چراگاه و مراتع مربوط به روستا می‌باشد. ساربان (ساروان) که وظیفه‌ی آن مختص به مواظبت از گله‌های شتر بوده و در زندگی روستایی موجودیت آن مشاهده نمی‌شود.

از آن‌ها مراقبت می‌نمایند. در جریان فصول معتدل و گرم مواظبت و نگهداری حیوانات به دوش فردی قرار دارد که روستاییان نظر به نوعیت جنس و طول عمر حیوان، نام و عنوان خاص روی آن گذاشته‌اند. چوپان (شیبان) شخص اجیری است که توسط ساکنان یک روستا به شکل جمعی و یا به وسیله رهمدار به گونه‌ی شخصی در بدل مزد معین استخدام گردیده و فقط گله‌های گوسفند و بز را مراقبت می‌نماید. بره‌چران، فرد اجیری است که استخدام آن توسط همان مجاری

صفحه‌ی ۲

بر فرد، خانواده و جامعه برجا می‌گذارد و حتا می‌تواند به پیوستن فرد به گروه‌های ضداجتماعی و بزهکار نیز منجر شود. پس برای بررسی و تبیین این مساله نه تنها به عامل فردی-روانی بلکه به عوامل اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی نیز توجه شود؛ به صورت کلی، عوامل متعددی چون اختلالات روانی، پایین بودن هوش، اضطراب، تغییر مکرر مکتب، تکرار کلاس، شرایط نامساعد خانواده و مکتب، بی‌علاقگی و بی‌توجهی به درس، نفهمیدن درس، داشتن افکار مشغول در جریان درس، معاشرت با هم‌سالان مکتب‌گریز، بزهکار و بی‌کار، انگیزه‌ی پایین تحصیلی، برخورد نادرست استادان با دانش‌آموزان، برخورد نادرست شاگردان با همدیگر، شیوه‌ی نادرست تدریس، بی‌انضباطی در مکتب، خانواده‌های از هم گسیخته، والدین، خواهر و برادر بزهکار، فقدان والدین، روابط معیوب خانوادگی، خشونت‌های خانوادگی، طلاق والدین، تهدید، تمسخر و لت و کوب شاگرد در خانواده و مکتب و عدم توجه‌ی والدین به نیازمندی‌های مادی و معنوی شاگرد را می‌توان در بروز پدیده‌ی "فرار از مکتب" دخیل دانست. اما از میان همه‌ی عوامل ذکر شده،

## نگاهی به وضعیت شغل چوپانی در زندگی روستایی

نظارت و تربیت حیوانات اهلی و بهره‌گیری از محصولات آن بخش مهم زندگی اقتصادی روستاییان کشور را به خود اختصاص داده است. تأمین علوفه و آذوقه برای حیوانات بویژه در مناطق سردسیر برای زمستان، بخشی از کار سخت و طاقت‌فرسای خانواده‌ی روستایی را در فصول گرما و اعتدال به خود اختصاص داده است. روستاییان برای نگهداری و پرورش حیوانات اهلی، محل زیست مناسب به شرایط اقلیمی را در نظر گرفته و در فضای باز یا بسته

**چوپان، بره‌چران، گاوپران و یا ساربان اغلب افرادی اند که در مقابل مزد نقدی و یا جنسی به شکل سهم‌بُر و یا وجه نقدی، نیروی کارشان را برای وقت معین به روستاییان می‌فروشند. این گونه شغل، که در زندگی روستایی بخشی از کار پست به شمار می‌رود، در گذشته شرایط نامطلوب داشت؛ چوپان و یا گاوپران اغلب فقط در بدل غذای روزمره و در بهترین صورت با مزد جنسی ناچیز، ده بیست سیر گندم، جو و یا جواری و در کنار آن یک جوهر لباس از پارچه‌ی معمولی و یا یک پای‌پوش ناچار به کار می‌گردید. در سال‌های اخیر وضعیت اندکی بهبود یافته و در بسیاری نقاط کشور، این نیروی کار، در بدل مزد نقدی و به شکل غیررسمی با یک نوع قرارداد نیمه‌رسمی وظیفه محوله را به دوش می‌گیرد. ...**

صفحه‌ی ۲

**نقد اجتماعی**  
مسوولان وزارت‌های معارف، صحت عامه و مبارزه با مواد مخدر بخوانند!  
**مواد مخدر COOL LIP و ۵۵۵ را از بازار جمع آوری کنید!**

**کهدکی**  
دوره‌ی نوجوانی حساس‌ترین و خطرناک‌ترین دوره‌ی زندگی بشمار می‌رود؛ نوجوانی دوره‌ی انتقال فرد از کودکی به بزرگسالی و کسب هویت فردی و اجتماعی است. در این دوره میل به استقلال و مخالفت با والدین به اوج خود می‌رسد و نوجوان برای اثبات بلوغ و فردیت خود ارزش‌های خانواده را زیر سوال برده و سعی در ایجاد و تحمیل ارزش‌های خود دارد. در این دوره حس کنجکاوی و نیاز به تحرک، تنوع و هیجان او را به سوی استفاده از مواد مخدر سوق می‌دهد، به همین خاطر، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان این دوره را، مخاطره‌آمیزترین دوران زندگی از نظر شروع مصرف مواد مخدر می‌دانند.

در این دوره، نوجوان برای ابراز هیجانات، کنجکاوی و تحرک، با گروه هم‌سالان شان یکجا می‌شود. معمولاً نوجوانان و جوانان در پی تجربه‌های جدید و هیجان‌انگیز اند. در میان گروه‌های هم‌سالان، افرادی مبتلا به مواد مخدر به راحتی می‌توانند، هم‌سالان خود را به مصرف مواد مخدر مبتلا کنند. گرچه افراد در اوایل مصرف با هراس و تردید مواجه می‌شوند، ولی به تدریج شیفته‌ی مواد مخدر شده و مقاومت خود را از دست می‌دهند. تداوم مصرف مواد مخدر جوانان را وارد گروهی بنام "گروه خرده فرهنگ هم‌سالان معتاد" می‌کند. این گروه در یک برنامه‌ریزی، در پی تأمین این مواد می‌شوند و برای تأمین مواد مخدر، کوشش می‌کنند همین‌گونه را به گروه‌های بزهکار تبدیل کرده و برای تأمین مواد دست به انحرافات چون کسبه‌بری، سرقت، کلاهبرداری، دروغ‌گویی و غیره بزنند.

امروزه، در میان گروه‌های همسالان نوجوانان و جوانان ماده‌ی جدید مواد مخدر بنام "COOL LIP (TOBACCO) و "۵۵۵" به عنوان "نصاور" به چشم می‌خورد. این مواد مخدر نه تنها به صورت وافر و علنی در بازار به فروش می‌رسد، بلکه از لحاظ قیمت نیز خیلی ارزان است. نوجوانان و جوانان به راحتی می‌توانند آن را تأمین کنند. پسران و دختران مکاتب بیشتر به این مواد علاقه‌مند هستند و از آن استفاده می‌کنند؛ نوجوانانی که از این مواد خریداری می‌کنند، بیشتر بین سنن ۱۵-۲۰ سال هستند. این مواد نه تنها در سیگار فروشی‌ها بلکه در مغازه‌های مواد غذایی نیز دیده می‌شود، حتا در خیلی از دکان‌هایی که در نزدیکی مکاتب وجود دارد، به فروش می‌رسد. نوجوانان یک پوری (کیسه) این مواد را در بدل ۱۰۰ افغانی می‌خرند که در میان این کیسه حدود ۱۰-۱۲ خرده کیسه‌ی دیگری است که هر کدام شان می‌توانند فرد معتاد به این مواد را به مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه به اوج لذت، هیجان، مستی و یا غمگینی بکشاند. البته مدت دوام این اعتیاد برای کسانی که تازه وارد اند می‌تواند بیشتر از شش ساعت دوام کند. تأثیرات این ماده برای فرد تازه‌وارد به حدی است که وی توانایی به ایستادن را از دست می‌دهد. این مواد نه تنها از خارج به خصوص "هند" صادر می‌شود، بلکه در داخل افغانستان نیز تولید می‌گردد؛ فابریکه‌ی تولید این مواد در کارته پروان- کابل موقعیت دارد. این کمپنی MTM COMPANY یاد می‌شود که در سال ۲۰۰۴ تاسیس شده است و تا به حال فعالیت دارد. برای استفاده از این مواد، فرد کیسه‌ی خود را زیر لب خود می‌گذارد. عوارض جانبی این ماده، تهوع، سرگیجه، سردردی، دل‌دبی و مبتلا به سرطان لب، لته، زبان و فک است.

دیده شده که بعضی شاگردان صنوف هشت تا دوازده که بیشتر نوجوانان و جوانان اند، از این مواد استفاده می‌کنند، حتا کسانی که سابقه‌ی طولانی مصرف این مواد را دارند، در داخل صنف در عین تدریس از آن استفاده می‌کنند. شاید در بسیاری از مکاتب استادان نیز متوجه‌ی این مواد شده باشند، اما به دلیل عام‌بودن "نصاور" یا فرد جدی برخورد نکرده باشند. پیشنهاد ما برای وزارت‌های معارف، صحت عامه و مبارزه با مواد مخدر این است که به همکاری ریاست مبارزه با مواد مخدر- وزارت داخله، موادی را که تحت عنوان "نصاور" در بازار به فروش می‌رسد، جمع‌آوری کنند تا نوجوانان و جوانان را که آینده به دست آنان رقم می‌خورد، از کام این آفتون رهایی بخشند. در غیر آن، همان گفته‌ی گاندی که "دولت‌ها به خاطر منافع خود، مردم را به بلای خانمانسوز و نابودکننده‌ی مصرف مواد مخدر مبتلا کرده‌اند" راست از آب در می‌آید.